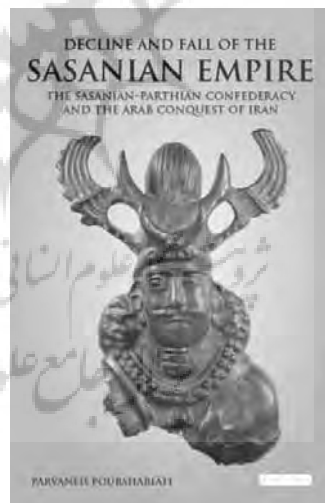


افول و سقوط ساسانیان

• پرویز حسین طلایی
دانشجوی دکتری تاریخ ایران باستان، دانشگاه تهران



- افول و سقوط ساسانیان: اتحاد اشکانی - ساسانی و پیروزی اعراب بر ایران^۱
- نویسنده: پروانه پورشریعتی
- ای.بی. توریس: می ۲۰۰۸

اردشیر اول پس از غلبه بر اردوان پنجم (چهارم) پادشاه اشکانی، سلسله‌ی ساسانیان را در ۲۲۴ م. پایه‌گذاری کرد. این سلسله بیش از چهار قرن بر ایران فرمانروایی کرد تا این که با حمله اعراب و مرگ یزدگرد سوم در سال ۶۵۱ م. به پایان عمر خود رسید. سقوط ساسانیان توسط اعراب مسلمان از جهاتی شگفت‌آور و قابل توجه است چون که قدرت نظامی اعراب نسبت به قدرت نظامی ساسانیان که داری سواره‌نظام زبده و کارآزموده بود و با نیروی نظامی امپراتوری معاصر خود (روم) برابری می‌کرد، کم و ناچیز به شمار می‌آمد. از این رو سقوط ساسانیان توسط اعراب بخش مهمی از کتاب‌ها و مقالاتی که از عصر قاجار (که تاریخ‌نویسی به شیوه‌ی نوین رواج پیدا کرد^۲) تا حال حاضر درباره ایران باستان و مخصوصاً ساسانیان نوشته شده‌اند را در بر می‌گیرد. با این که آقای رجبی، دریایی و شیپمان در سال‌های اخیر هر کدام در حوزه تاریخ ساسانیان با استفاده از منابع، کشفیات جدید و داده‌های باستان‌شناسی در تألیف کتابشان بهره گرفته‌اند؛ اما تاکنون کتاب کریستین سن (ایران در زمان ساسانیان) نوشته شده در سال ۱۹۰۷ م. هنوز به عنوان مهم‌ترین مأخذ تاریخ این دوره هنرنمایی می‌کند. از جهتی بایستی به تمجید از بررسی همه‌جانبه این مورخ دانمارکی پرداخت و از جهتی دیگر بایستی اذعان کرد که محققان بعد از آقای کریستین سن هرچند با رویکرد و روشی جدید به بررسی تاریخ این سلسله پرداخته‌اند، اما هیچ‌کدام از این آثار جانشین مناسبی برای کتاب ایران در زمان ساسانیان نبوده و حرف جدیدی برای گفتن نداشته‌اند. تا این که در سال ۲۰۰۸ م. خانم فریده پورشریعتی علاوه بر منابع موجود، با بهره‌گرفتن از سکه‌ها، مهرها و نقش‌های روی آن‌ها به بررسی جدیدی در زمینه سقوط ساسانیان توسط اعراب پرداخت. بایستی اذعان کرد که این کتاب پاسخی درخور به این نیاز است تا به این پرسش ما (که در سطور بالا نیز ذکر شد) که چرا در قرن هفتم امپراتوری قدرتمند ساسانیان توسط حمله‌ی اعراب (که از لحاظ قدرت نظامی قابل قیاس نبودند) از پای درآمد، با رویکردی متفاوت و بدیع، پاسخ گوید. در اینجا ابتدا شرحی از نویسنده و ساختار کتاب خانم پورشریعتی آورده می‌شود و بعد در خاتمه، به شرح مختصری از کتاب پرداخته می‌شود:

درباره‌ی نویسنده کتاب

پروانه پورشریعتی استادیار مطالعات ایرانی و اسلامی در بخش زبان‌ها و

عرب هم در مکاتبات خود گفته اند که تنها خواهان عبور از ایران برای رسیدن به ماوراءالنهر در آسیای میانه و دستیابی به راه‌های بازرگانی هستند و مدعی حکومت و تاج و تخت ایران نیستند و برخی از رهبران نظامی ایران مانند رستم فرخ هرمز در جریان این مکاتبات بوده‌اند. خانم پورشریعی هم چنین معتقد است که موفقیت اعراب در حمله به ایران نتیجه مصالحه یکی از خانواده‌های اشکانی با اعراب بود و ارزیابی تاریخی شاهنامه فردوسی همین نظر را تأیید می‌کند که با سایر روایت‌های تاریخی تاریخ‌نگاران دوره اسلامی متفاوت است. در واقع مؤلف برخلاف محققان این حوزه اعتقادی به سیستم متمرکز ساسانیان ندارد و ستون فقرات این امپراتوری را سیستم نامتمرکز اشکانیان می‌داند که بذریه ناپودی و انحطاط را در خود دارد. از نکات قابل توجه دیگر در کتاب خانم پورشریعی، بایستی به آوردن فصل‌هایی جداگانه در رابطه با دودمان‌های طبرستان و تشتت و تنوع مذهبی عصر ساسانیان اشاره کرد که پیش از این مورد بحث و بررسی قرار نگرفته بود و بایستی رویکرد این مؤلف در فصول ذکر شده را تفسیر جدیدی از این سلسله به حساب آورد. چنان‌که مؤلف در جای جای کتاب خود ساختار قدرت ساسانیان را کنفدراسیونی (اتحادی و هم‌پیمانی) می‌داند که در آن شرق و شمال، مهد نخستین اشکانیان، خود مختار بودند. «افول و سقوط ساسانیان»، با عنوان فرعی «اتحاد اشکانی - ساسانی و پیروزی اعراب بر ایران» را باید شروعی دیگر بر تاریخ ساسانیان و نقطه‌ی عطفی در بررسی علل سقوط این امپراتوری دانست که به روشن‌تر شدن هر چه بیشتر این واقعه مهم تاریخی می‌پردازد. اما با این‌که حدود دو سالی از انتشار این کتاب ارزشمند می‌گذرد، تا به حال به فارسی ترجمه نشده تا در اختیار علاقمندان و محققان به این حوزه قرار گرفته و ابهامات این دوره‌ی تاریخی را مرتفع سازد.

پی‌نوشت:

- 1 Decline and Fall of the Sasanian Empire: The Sasanian-Parthian Confederacy and the Arab Conquest of Iran.
- 2 published by I. B. Tauris, 2008.
3. در این دوره بود که آقای میرزا آقاخان کرمانی کتاب آیین‌های سکندری را نوشت و سنت تاریخ‌نویسی را که تا این زمان به بررسی رویدادهای سیاسی و اقدامات و سرگذشت شاهان محدود بود به تحولات اجتماعی و جریان‌های تاریخی منحرف گردانید و در همین کتاب به بررسی علل تباهی و زوال ساسانیان می‌پردازد.
4. در اوایل سال ۱۹۰۷ م. کریستن سن اولین نسخه را از آن چه شاهکار ادبی او شناخته شده است، به وجود آورد که بازسازی کلی تاریخ، ساختار اجتماعی و امور اداری ایران ساسانی را برداشت: «وضع ملت و دولت و دربار در دوره‌ی شاهنشاهی ساسانیان». وی متعاقب آن این کتاب را اصلاح و بازنگری کرده و به طور گسترده‌ای آن را با عنوان «ایران در زمان ساسانیان» توسعه داد. این اثر به عنوان یک کار استاندارد در مورد تاریخ ساسانیان ماندگار شد. ۵. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه به سایت <http://people.cohums.ohio-state.edu/pourshariati/> مراجعه نمایید.

6. Preliminaries

فرهنگ‌های خاور نزدیک در دانشگاه اوهایو آمریکا است. هم‌چنین وی به عنوان استاد مدعو در دانشکده تاریخ OSA و مرکز مطالعات قرون وسطی و رنسانس (CMRS) نیز فعالیت می‌کند. خانم پورشریعی متولد تهران است و تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در همین شهرستان به اتمام رساند. سپس برای ادامه تحصیل به خارج از کشور سفر کرد و کارشناسی خود را در رشته‌ی جامعه‌شناسی از دانشگاه نیویورک و کارشناسی ارشد و دکتری در رشته تاریخ از دانشگاه کلمبیا دریافت کرد. علایق پژوهشی او عبارتند از: تاریخ اجتماعی عهد باستان و اوایل قرون وسطی در ایران و خاورمیانه، پرستش مهر و میتراپسم در ایران و روم، افسانه‌ها و فرهنگ‌های مشهور جهان ایرانی و ترکی، سنت‌های تاریخ نگاری ایرانی-اسلامی خدای‌نامه.^۵

ساختار کتاب

کتاب «افول و سقوط ساسانیان»، با عنوان فرعی «اتحاد اشکانی - ساسانی و پیروزی اعراب بر ایران» از دو بخش کلی که هر کدام به زیربخش‌هایی تقسیم می‌شود تشکیل شده است: نویسنده در ابتدا به ذکر مقدمه و مشکلات و منابع و روش‌های مورد استفاده از کتاب از صفحه ۱۹-۱ و سپس در زیر عنوان «مقدمات»^۶ مختصری را درباره اشکانیان و خاندان‌های این سلسله را از صفحه ۳۱-۱۹ می‌آورد. در ادامه، بخش اول کتاب با عنوان «تاریخ سیاسی» با زیربخش‌هایی تحت عنوان: (۱) سیاست جدید ساسانیان: اتحاد ساسانیان - پارتیان از صفحه ۱۶۱-۳۳. (۲) غلبه اعراب بر ایران از صفحه ۲۸۷-۱۶۱. (۳) ختم‌شده دودمان‌های طبرستان در صفحه ۴۵۳-۳۹۷ می‌آید. سپس نویسنده بخش دوم را با عنوان «مذاهب رایج» با زیربخش‌های (۱) چشم‌اندازی به مذاهب ساسانیان (۲) شورش‌های اواخر باستان در خراسان و طبرستان، می‌آورد. در انتهای کتاب نیز نتیجه‌گیری (صفحه ۴۵۳)، جداول، تصاویر و نقشه‌ها (صفحه ۴۶۷)، کتاب‌شناسی (صفحه ۴۷۳)، واژه‌نامه (صفحه ۴۹۹) و پیوست (صفحه ۵۰۹) آورده می‌شود. مؤلف علاوه بر تقسیم کتاب به دو بخش و هر بخش نیز چنان‌که ذکر شد به زیربخش‌هایی، باز هر زیربخش را به بندهایی جزئی تقسیم کرده است.

محتوای کتاب

این کتاب جدا از آنکه به طور کلی محتوایش را مورد پذیرش قرار دهیم، چند نکته مهم را پیش روی ما خواهد گذاشت. اولین نکته این‌که خانم پورشریعی در کتاب پانصد و سی و هفت (۵۳۷) صفحه‌ای خود، به بررسی جوانب گوناگون استمرار تمدنی حکومت اشکانی و خاندان‌هایش در زمان ساسانیان بر خلاف نظر آرتور کریستین سن که می‌گوید تاریخ پانصد ساله اشکانیان را باید با آمدن ساسانیان به فراموشی سپرد، پرداخته است. مؤلف در کنار آن نیز سعی کرده با تحقیق و پژوهشی جامع و کامل، علاوه بر ذکر عللی که منابع و مأخذ قبل از این اثر به عنوان علل سقوط ساسانیان نام می‌برند، علت اصلی انحطاط ساسانیان را در دهه‌های آخر و شکست از اعراب را ضعف درون ساختاری دانسته و خاندان‌های اشکانی را در این میان مقصر اصلی قلمداد می‌کند. خانم پورشریعی در کتاب خود می‌آورد: برخی از خانواده‌های اشکانی متحد ساسانیان مانند خانواده بسطام و بندویه در زمان شروع حمله اعراب با رهبران عرب در ارتباط بوده اند و رهبران